

جسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی رادیو، گرایش نویسندگی

بررسی تجربه نابینایان در استفاده از برنامه های رادیویی

دانشجو:

منیر شرفی

استاد راهنما:

دکتر محمد کمالی

استاد مشاور:

دکتر ویدا همراز

زمستان ۹۱

چکیده

نابینایان و کم بینایان درصدی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و علی رغم محدودیتی که دارند، مانند سایر مردم نیاز به ارتباط گیری با دیگران، شرکت در فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می باشند؛ چرا که مشکل نابینایی نمی تواند مانع از فعالیت اجتماعی این افراد و مسؤولیت آنان در شکل گیری جامعه مدنی گردد.

نابینایان در میان رسانه های جمعی که وظیفه اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، آموزش و تفریح را بدنبال دارند، از رادیو بیشتر استفاده می کنند و بسیاری از مطالب مورد نیاز خود را از طریق این رسانه فرا می گیرند و حتی ساعات تنهایی و اوقات فراغت خود را با استماع برنامه های رادیویی پر می کنند؛ بنابراین، رسانه رادیو، وسیله-ای چند منظوره برای نابینایان محسوب می گردد.

هدف اصلی این تحقیق، کسب شناخت عمیق از تجربه های نابینایان در استفاده از رادیو است. مفاهیم تحقیق: تجربه نابینایی، تجربه زیسته و رادیو است. سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: تجربه شخصی فرد نابینا در استفاده از برنامه های رادیویی چیست؟

این پژوهش، کیفی، بنیادی و توصیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات آن مصاحبه نیم ساخت یافته و روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق است. واحد تحلیل، اظهارات فرد نابینا است. نمونه گیری به صورت هدفمند و با شیوه گلوله برفی از ۱۴ نابینای تهرانی شنونده رادیو انجام شده و تا مرحله اشباع ادامه یافته است. قابلیت اعتماد تحقیق، با بازبینی داده ها سنجیده شده است.

مبنای نظری پایان نامه و تفسیر یافته های تحقیق، با توجه به ویژگی های عمومی شبکه های رادیویی صدای جمهوری اسلامی ایران و با عنایت به مصرف رسانه رادیو نزد مخاطب نابینا، با رویکرد «مخاطب فعال» مک کوئیل و بائر از نظریه «استفاده خوشنودی» تبیین شده است.

مضمون های استخراجی تحقیق عبارتند از: ۱- رادیو در نقش معاشر و معلم در زندگی نابینا ۲- رادیو وسیله اصلی تعامل نابینا با جهان بیرون. ۳- رادیو برای نابینا، رسانه اصلی و برای فرد بینا، رسانه جایگزین. ۴- افزایش «درک رسانه ای» از رادیو بواسطه تجربه و شناخت زیسته نابینا از حس شنوایی

یافته های تحقیق: ناخوشنودی غالب مصاحبه شوندگان در استفاده از برنامه های رادیویی شبکه های داخلی عبارتند از ۱) نیازهای شناختی ۲) نیازهای عاطفی ۳) نیازهای انسجام بخش شخصی ۴) نیازهای انسجام بخش اجتماعی

کلید واژه ها: استفاده و خوشنودی تجربه زیسته، رسانه، رادیو، مصرف رسانه ای، نابینایی.

فهرست مطالب

فصل اول کلیات تحقیق..... ۱

۱-۱- مقدمه ۲

۲-۱- تعریف مسأله..... ۳

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۹

۴-۱- اهداف تحقیق..... ۱۱

۵-۱- سؤال تحقیق..... ۱۲

۶-۱- مفاهیم تحقیق..... ۱۲

فصل دوم مبانی نظری تحقیق..... ۱۵

۱-۲- مقدمه..... ۱۶

۲-۲- مروری بر تحقیقات پیشین..... ۱۷

۳-۲- نتیجه مطالعه تحقیقات پیشین..... ۲۱

۴-۲- مبانی نظری تحقیق..... ۲۲

۵-۲- مشخصات رادیو..... ۲۳

۶-۲- ساختار رادیو، صدای جمهوری اسلامی ایران..... ۲۹

۷-۲- نظریه «استفاده و خوشنودی» در مطالعات ارتباطی..... ۳۰

فصل سوم روش شناسی تحقیق (متدولوژی)..... ۴۰

۱-۳- روش تحقیق..... ۴۱

۲-۳- جامعه آماری تحقیق..... ۴۱

۳-۳- تعیین حجم نمونه..... ۴۱

۴-۳- روش نمونه گیری تحقیق..... ۴۲

۴۳	۵-۳- روش جمع آوری داده ها
۴۳	۶-۳- مصاحبه های توجیهی پیش از مصاحبه اصلی
۴۴	۷-۳- ویژگی های کلیدی مصاحبه عمیق
۴۵	۸-۳- مراحل مصاحبه عمیق
۴۷	۹-۳- ابزار گرد آوری اطلاعات
۴۷	۱۰-۳- اعتبار و پایایی تحقیق
۴۸	۱۱-۳- روش تجزیه و تحلیل داده های کیفی
۴۹	۱۲-۳- واحد تحلیل

۵۱ فصل چهارم تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

۵۲	۱-۴- گزارش مصاحبه های تحقیق
۵۴	۲-۴- سؤالات مصاحبه
۵۴	۳-۴- نمونه جدول های تکمیل شده مصاحبه ها
۶۳	۴-۴- رسم جدول های مقوله بندی شده حاصل از مطالعه جملات مصاحبه ها
۶۸	۵-۴- مضمون های استخراجی از مقوله های تحقیق
۶۸	۶-۴- پاسخ به سؤال های تحقیق

۷۱ فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادهای تحقیق

۷۲	۱-۵- مقدمه
۷۲	۲-۵- تفسیر داده های تحقیق
۷۳	۳-۵- الگوی شناختی استفاده از رسانه ها نزد مخاطب نابینا
۷۵	۴-۵- محدودیت ها و مشکلات تحقیق
۷۵	۵-۵- جمع بندی و نتیجه گیری
۷۷	۶-۵- پیشنهادهای تحقیق

پیوست ها ۷۸

فهرست منابع و مآخذ ۱۲۷

فهرست جداول

- جدول ۴-۱-۱-۱- مشخصات مصاحبه شوندهگان ۵۳
- جدول ۴-۳-۱- چه برنامه های رادیویی را گوش می کنید، در چه ساعتی؟ ۵۵
- جدول ۴-۳-۲- در چه زمینه هایی از رادیو استفاده می کنید؟ ۵۷
- جدول ۴-۳-۳- اصولا رادیو را رسانه ای سرگرم کننده می بینید؟ یا نقشی فراتر از سرگرمی برای آن قائل هستید؟ ۵۹
- جدول ۴-۳-۴- رادیو چه نقشی در زندگی شما دارد؟ آیا این نقش از نقشی که رادیو در زندگی نزدیکان شما ایفا می کند، متفاوت است؟ ۶۱
- جدول ۴-۳-۵- آیا تلویزیون هم تماشا می کنید؟ سینما و تئاتر چه طور؟ اگر بله، آیا در استفاده از این وسایل به کمک دیگران نیاز دارید؟ توضیح بدهید تا چه حد؟ ۶۲
- جدول ۴-۴-۱- نقش رادیو ۶۳
- جدول ۴-۴-۲- اهمیت رادیو ۶۴
- جدول ۴-۴-۳- بود و نبود رسانه رادیو ۶۴
- جدول ۴-۴-۴- رسانه آموزش ۶۵
- جدول ۴-۴-۵- رسانه سرگرمی ۶۵
- جدول ۴-۴-۶- رسانه ویژه نابینایان ۶۶
- جدول ۴-۴-۷- نارضایتی از رادیو ۶۶
- جدول ۴-۴-۸- انتظار نابینایان از رادیو ۶۷
- جدول ۴-۴-۹- چشم انداز رادیو ۶۷
- جدول ۴-۵-۱- مقوله های اصلی استخراج شده ۶۸
- جدول ۵-۳-۱- الگوی شناختی استفاده از رسانه ۷۴

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

در هر جامعه بشری و در هر کجای این کره خاکی، جمعیتی زندگی می کنند که بلحاظ خصیصه اجتماعی بودن، اما با قطع نظر از وجوه مشترک و متمایزی که از آن برخوردارند، دارای حقوق یکسانی بوده و در کلیه امور و وظایف زندگی، کنش هایی که دارند و ارتباطاتی که برقرار می سازند، مشترک می باشند. بخشی از این جمعیت انسانی به علت های متفاوتی از قبیل بیماری، مسائل ارثی، حوادث و نظیر آن، دارای نقایص و محدودیت هایی در یک یا چند حس خود می باشند که استفاده آنان از برخی حواس خود را با محدودیت مواجه می سازد.

درصدقابل ملاحظه ای از این جمعیت را در هر کشور، نابینایان و کم بینایان تشکیل می دهند، بگونه ای که هیچ کشوری در جهان یافت نمی شود که درصدی از جمعیت آن با مشکل نابینایی یا کم بینایی مواجه نباشد. در کشور ما نیز صدها هزار نفر نابینا و کم بینا به سر می برند که به همراه خانواده های خود یک جمعیت میلیونی را تشکیل می دهند؛ به عبارت دیگر، در حال حاضر بیش از چند میلیون نفر از هموطنان ما به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بنوعی با مشکل نابینایی و کم بینایی درگیر هستند و به دلایل مختلفی از جمله رشد جمعیت، صنعتی شدن و غیره ممکن است این آمار رو به افزایش گذارد.

نابینایان علی رغم محدودیت هایی که دارا هستند، مانند سایر مردم نیاز به ارتباط گیری، شرکت در فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تشکیل خانواده و غیره می باشند؛ چرا که این مشکل نمی تواند مانع از فعالیت اجتماعی این افراد گردد. در میان رسانه های جمعی که وظیفه اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، آموزش و تفریح را بدنبال دارند، نابینایان به علت ویژگی های خاص فیزیکی خود از رادیو بیشتر استفاده می کنند و بسیاری از مطالب مورد نیاز خود را از طریق این رسانه فرا می گیرند و حتی ساعات تنهایی و اوقات فراغت خود را با استماع برنامه های رادیویی پر می کنند؛ بنابراین، رسانه رادیو، وسیله ای چند منظوره برای نابینایان محسوب می گردد.

از طرفی شکل گیری جامعه مدنی که یکی از ویژگی های بر دوش گرفتن مسؤولیت توسط آحاد جامعه است، وظایفی را هم بر عهده هر فرد نابینا به عنوان عضوی از جامعه قرار می دهد. بر عهده گرفتن این وظایف پیش نیاز هایی دارد که شامل شناخت دقیق معلول نابینا از خود و توانمندی های خویش است و نیز همین شناخت توسط دیگر افراد جامعه از نابینا، قسمت مهمی از این پیش نیاز را

تشکیل می دهد. برطرف ساختن این نیازهای برای تمامی انسان ها لازم و ضروری است و نقص نابینایی نمی تواند توجیهی برای کنار گذاردن این نیازها باشد.

۱-۲- تعریف مسأله

انسان در میان مخلوقات الهی، موجودی اجتماعی است که بایستی در تعامل و ارتباط با دیگران به حیات خود ادامه داده و نیازمندی های خود را برطرف نماید؛ بنابراین، قادر به انزوا و بدور از جامعه زیستن نمی باشد. این سبک زندگی در اجتماع به این باور منتهی می گردد که نابینایان عضوی از جامعه هستند و می توانند و بایستی تا اندازه ای مانند سایرین به فعالیت های گوناگون بپردازند و نیازمندی های زیستی - اجتماعی خود را برطرف نمایند. جامعه وظیفه دارد که امکانات رشد و آگاهی بخشی این قشر را متناسب با شیوه فراگیری و با در نظر گرفتن این محدودیت، فراهم سازد، سیاستگذاران و مسئولین، تولید کنندگان رادیو را باید به این امر متوجه سازند که بدانند با آماری از این مخاطبین نابینا مواجه هستند که دریافت های آنان منحصر به رادیو می باشد؛ بنابراین، تولید و پخش برنامه های این رسانه باید بگونه ای برنامه ریزی و تدوین گردد که بتواند نیازمندی های این قشر را تا حد ممکن تأمین نماید.

باید دانست که نابینایان خواه ناخواه بلحاظ این محدودیت با افراد بینا تفاوت هایی دارند؛ پس این سؤال اساسی پیش می آید که آیا استفاده نابینایان از پخش برنامه های رادیویی، مطلوب است؟ و آیا برنامه های فعلی رادیو به همان شکل که برای افراد بینا مورد استفاده قرار می گیرد، می تواند برای استفاده نابینایان و افراد کم بینا مفید بوده و نیاز آنان را برطرف سازد؟

عمده نیاز این قشر همانند سایرین، تصدی شغل، معیشت و تشکیل خانواده است. درحال حاضر این شناخت و در نتیجه بر دوش گرفتن مسؤلیت زندگی، در بسیاری از افراد این جمعیت به طور نسبی وجود دارد. قسمت عمده ای از نابینایان همچنان متکی به خانواده ها هستند و این در شرایطی است که مشکلات و واقعیت های دنیای امروز این اجازه را حداقل از نظر اقتصادی به افراد نمی دهد که براحتی بتوانند وقت خود را صرف عضو نابینای خانواده نمایند؛ بلکه برعکس به نابینا تکلیف می کند که آموزش ببیند و زندگی خود را اداره نماید.

دنیای امروز، دنیایی است که ادعای رفع تبعیض دارد و به عنوان نمونه در این زمینه می توان به کنوانسیون جهانی حقوق معلولان اشاره کرد که در مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شده و هم- اکنون به صورت قانون کشوری در آمده و آماده اجر می باشد؛ از سویی، جامعه ما را می توان جامعه

ای در حال توسعه به حساب آورد که برخی از این گونه ضرورت ها در آن ایجاد شده ولی جای بسیاری از آن ها یا همچنان خالی است و یا نیازمند تکمیل می باشند.

امروزه نابینایان و کم بینایان در ایران دچار یک ناهمگونی اجتماعی هستند؛ یعنی، از نظر فکری، آموزشی و فرهنگی ما با یک طیف همگون در این قشر از مردم جامعه مواجه نیستیم. بسیاری از آن ها به مراتب از هم وضعیت های خود در کشورهای پیشرفته جلوترند و بسیاری دیگر همچنان متکی و وابسته به خانواده و جامعه باقی مانده اند.

پوشیده نیست که رادیو اگر چه پیشرفته ترین رسانه ارتباط جمعی نیست و از این نظر رتبه ای قبل از تلویزیون و اینترنت دارد، ولی همچنان ساده ترین و فراگیر ترین رسانه ارتباط جمعی - به ویژه برای نابینایان - است. اگر صحبت از رسالت و وظیفه بیشتر رادیو در این مورد یعنی کمک به فرهنگ سازی و اطلاع رسانی تام و همه جانبه در مورد نابینایان، مشکلات، مسائل، توانائی و حقوق آنان مورد بحث قرار گیرد؛ باید دید این رسانه تا چه حد توانسته است به این دسته از مخاطبان پاسخ مناسب ارائه نماید؛ بنابراین، لازم است این مسأله مورد تحقیق قرار گیرد تا با آگاهی بیشتر از موضوع یاد شده بتوان نارسایی ها و مشکلات را شناسایی کرده و در جهت رفع آن ها کوشش بعمل آورد.

نابینایان و کم بینایان هموطن ما در حال حاضر، در موارد مختلف نیازمند کسب یک سلسله آموزش ها و اطلاع گیری مداوم، همه جانبه و برنامه ریزی شده توسط افراد متخصص هستند. این نیاز از سویی در مورد خانواده های آنان و از سوی دیگر برای کل جامعه و به ویژه دیگر رسانه ها نیز وجود دارد تا نابینایان برای تحقق بخشیدن به این مهم در زندگی خویش بتوانند همچون سایر افراد جامعه از رسانه ها بهره برداری نمایند.

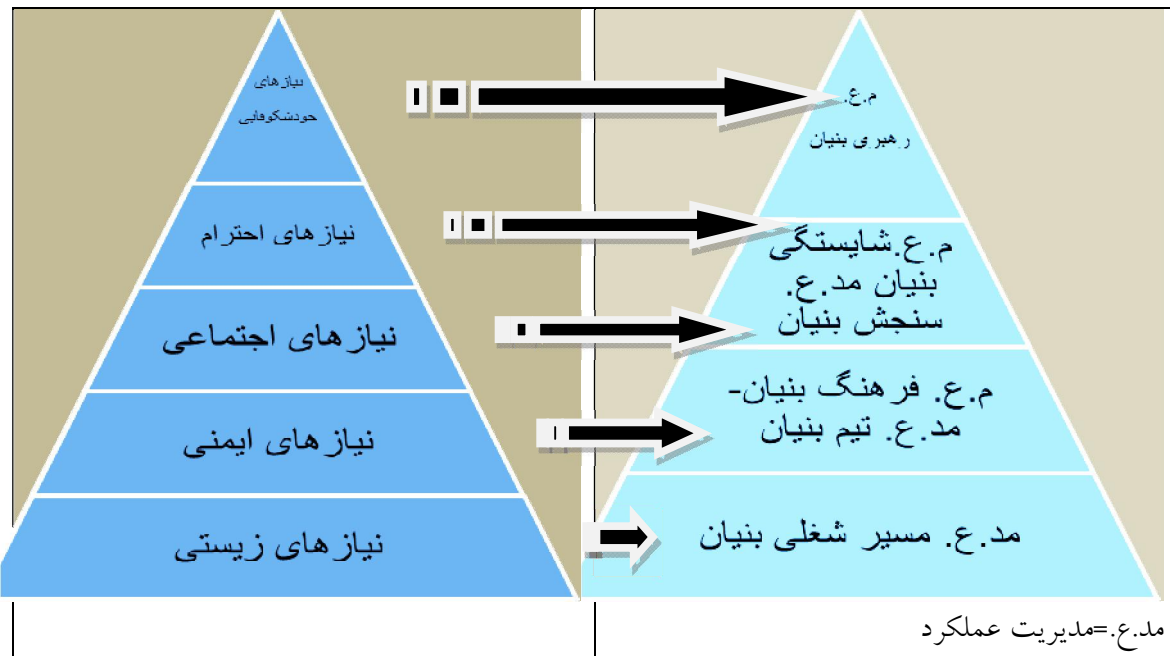
آیا در عمل چنین است؟ و این عدم تبعیض وجود دارد؟ و یا اگر هم وجود ندارد، مشکل به خود نابینایان بر می گردد یا به رسانه رادیو؟ و یا اینکه ضرورت گذشتن از مرز متفاوت بودن به عنوان یک واقعیت فرهنگی و اجتماعی و یا مجموعه از این موارد است؟

رادیو به دلیل ویژگی های منحصر به فرد خود، بیشترین هماهنگی و انطباق را نسبت به دیگر رسانه ها با نابینایان دارد و آنان بخش عمده ای از نیاز های دیداری خود را با شنیدن انجام می دهند (حفظ کردن، ضبط کردن و دوباره شنیدن به جای یادداشت برداشتن). بخشی از ویژگی های مورد پسند نابینایان عبارت است از: ارزانی، عدم محدودیت زمانی، مکانی و سهولت دسترسی؛ به عبارت دقیق تر، این پژوهش قصد دارد به طور مشخص تجربه زیسته نابینایان را از رادیو به عنوان «رسانه ای صرفاً شنوایی محور» مورد مطالعه قرار دهد.

آبراهام مازلو^۱ ساختار نیازهای سلسله مراتبی انسان ها را در مقاله اش با عنوان « نظریه انگیزش انسانی» که در نشریه « بررسی روان شناسی» در سال ۱۹۴۳م. به چاپ رسید، مطرح کرد. پیش فرض این سلسله مراتب آن است که هر وقت نیازی در سلسله مراتبی ارضا شد، انسان برانگیخته می شود که نیازهای بالاتر بعدی را برطرف سازد. از این رو، نظریه سلسله مراتب نیازها نامیده شد. این سلسله مراتب دارای پنج گام اصلی به شرح زیر است:

- گام یکم، نیازهای زیستی: این نوع نیاز از اصلی ترین نیازها در سلسله مراتب است. موفقیت در ارضای این نیاز، به حفظ بقای انسانی منجر می شود. این نیازها شامل: غذا، آب، پوشاک، خواب، ارضای جنسی و سرپناه می باشد.
- گام دوم، نیازهای ایمنی: این نوع نیاز به اطمینان از آینده مربوط می شود که فرد خویش را از نگرانی به محرومیت و نیازهای روان شناختی برهاند؛ یعنی بدنبال منابعی پایدار جهت ارضای نیازهای زیستی باشد.
- گام سوم، نیازهای اجتماعی: این نوع نیاز وابستگی داشتن است. انسان به پذیرش دلبستگی، عشق و تصدیق افراد در سازمان ها و جوامع دیگر نیاز دارد. وقتی نیازهای ایمنی و روان شناختی او تأمین شد، بدنبال تأمین این نیازها خواهد بود.
- گام چهارم، نیازهای احترام (عزت نفس): این نوع نیاز درونی است. در این گام از سلسله مراتب نیازها، انسان ها به طور ذاتی برانگیخته می شوند که کاری انجام دهند تا از آن احساس غرور نمایند. این نیازها را وجدان هدایت می کند.
- گام پنجم، نیازهای خود شکوفایی: این نوع نیاز در بالای ساختار سلسله مراتب نیازها قرار دارد. وقتی انسان ها به چنین نیازهایی می رسند، تلاش می کنند تا استعدادهای خویش را به طور کامل محقق نمایند و به موفقیت های چشم گیری دست یابند.
- پیش فرض پایه ای نیازهای سلسله مراتبی انسان آن است که وقتی نیازهای پایین تر ارضا شد، نیازهای بعدی انسان را بر می انگیزاند؛ یعنی، نیازی که ارضا شد قدرتش را در تشویق افراد از دست می دهد. اگرچه آن نیاز در پس زمینه وجود دارد. از این رو، شناخت سلسله مراتب نیازها و هم چنین شناسایی و طبقه بندی افراد در این سلسله مراتب، اهمیت بسیار زیادی برای مدیریت عملکرد دارد.

^۱. Abraham (Harold) Maslow



نیازهای این قشر از جامعه همانند سایرین، در وهله اول، نیازهای زیستی است که اصلی ترین نیازهای آنان بحساب می آید. دستیابی به مایحتاج اولیه چون غذا، پوشاک، ارضای جنسی، سرپناه و نظیر آن، نیازی اجتناب ناپذیر و از حداقل های زندگی است که هر انسانی بایستی آن ها را برطرف نماید و همان گونه که مازلو معتقد است، موفقیت در ارضای این نیازها، به حفظ بقای انسانی منجر می شود. بدیهی است کدام نابینا و یا کم بینا را می توان یافت که فارغ از چنین نیازی باشد.

نیازهای ایمنی و اطمینان از آینده که فرد، خویش را از نگرانی به محرومیت و نیازهای روان شناختی برهاند، نیازهای اجتماعی، که مربوط به پذیرش دلبستگی، عشق و تصدیق افراد در سازمان ها و جوامع دیگر می باشد، نیازهای احترام (عزت نفس)، که انسان ها به طور ذاتی برانگیخته شده تا کاری انجام دهند و از آن احساس غرور نمایند، نیازهای خود شکوفایی که برای تحقق استعدادهای خویش بکار می رود مانند تصدی شغل، حرفه و تشکیل خانواده، همگی از نیازهایی هستند که دستیابی به آن ها، لازمه زندگی هر انسانی است. خواه این انسان بینا باشد و خواه نابینا و یا کم بینا.

برای تأمین نیازهای یاد شده، مخاطب اقدام به شناسایی و انتخاب رسانه ای می نماید تا بتواند از آن مسیر و وسیله به اهداف ارتباطی و زیستی خود برسد.

دسته بندی های مختلفی از نیازهای اجتماعی و روان شناختی که موجب استقبال و استفاده از رسانه ها و محتواها می شوند، صورت گرفته است ولی این دسته بندی ها شباهت های زیادی با هم

دارند و تفاوت، بطور عمده به استفاده از اصطلاحات و عناوین بر می گردد. یکی از این دسته بندی ها را مک کوئیل ارائه کرده است که چهار دسته نیاز را در بر می گیرد:

- نیاز به آگاه شدن؛

- نیاز به کسب هویت شخصی؛

- نیاز به احساس تعلق اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی؛

- نیاز به فراغت و سرگرم شدن.

نیاز به آگاه شدن موجب می شود افراد مخاطب برای کنجکاوی، مشورت گرفتن و جهت گیری در مورد رویدادهایی که در محیط اجتماعی آنان وجود دارد و به نوعی در جامعه منعکس می گردد، به رسانه ها روی می آورند و از آن ها استفاده می نمایند. نیاز به کسب هویت شخصی باعث می شود افراد مخاطب برای تقویت ارزش های مهمی که تعریف کننده هویت آن هاست، از رسانه ها استفاده کنند. نیاز به احساس تعلق اجتماعی و کنش متقابل موجب می شود افراد برای فراهم کردن زمینه برقراری ارتباط با دیگران و این که به چه گروه اجتماعی تعلق دارند و انتظار آن گروه از فرد چیست، رسانه ها را مورد استفاده قرار دهند. و سرانجام نیاز به سرگرمی و فراغت حکایت از این می کند که بخش زیادی از افراد برای کسب آرامش روانی و فرار از مشکلات روزانه و خستگی از کار و پر کردن اوقات فراغت خود، از رسانه ها استفاده کنند.

در حال حاضر این شناخت و در نتیجه بر دوش گرفتن مسئولیت زندگی و حضور در فعالیت های اجتماعی در ابعاد مختلف، در بسیاری از افراد این جمعیت به طور نسبی وجود دارد. قسمت عمده ای از نابینایان همچنان متکی به خانواده ها هستند و این در شرایطی است که واقعیت های دنیای امروز این اجازه را حداقل از نظر اقتصادی به افراد نمی دهد که بتوانند وقت خود را صرف عضو نابینای خانواده نمایند؛ بلکه برعکس، به نابینا تکلیف می کند که آموزش ببیند و زندگی خود را اداره نماید تا بتواند بر مشکلات خود فائق آید.

دنیای امروز، دنیایی است که ادعای رفع تبعیض دارد؛ به عنوان نمونه، در این زمینه می توان به کنوانسیون جهانی حقوق معلولان اشاره کرد که در مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شده و هم- اکنون به صورت قانون کشوری در آمده و آماده اجر می باشد؛ از سویی، جامعه ایران را می توان جامعه ای در حال توسعه به حساب آورد که برخی از این گونه ضرورت ها در آن ایجاد شده ولی جای بسیاری از آن ها یا همچنان خالی است و یا نیازمند تکمیل هستند.

امروزه نابینایان و کم بینایان در ایران دچار یک ناهمگونی اجتماعی هستند؛ یعنی، از نظر فکری، آموزشی و فرهنگی جامعه با یک طیف همگون در این قشر از مردم مواجه نیست. بسیاری از آن‌ها به مراتب از هم وضعیت‌های خود در کشورهای پیشرفته، جلوترند و بسیاری دیگر همچنان سربار و وابسته خانواده و جامعه باقی‌مانده‌اند.

پوشیده نیست که رادیو اگر چه پیشرفته‌ترین رسانه ارتباط جمعی نیست و از این نظر رتبه‌ای قبل از تلویزیون و اینترنت را داراست، ولی هم‌چنان ساده‌ترین و فراگیر-ترین رسانه ارتباط جمعی -به ویژه برای نابینایان- است. اگر صحبت از رسالت و وظیفه بیشتر رادیو در این مورد یعنی کمک به فرهنگ سازی و اطلاع رسانی تام و همه جانبه در مورد نابینایان، مشکلات، مسائل، توانائی و حقوق آنان مورد بحث قرار می‌گیرد، باید دید این رسانه تا چه حد توانسته است به این دسته از مخاطبان پاسخ مناسب ارائه نماید و آنان را در رفع نیازهایشان یاری دهد؛ بنابراین، لازم است این مسأله مورد تحقیق قرار گیرد تا با آگاهی بیشتر از موضوع یاد شده بتوان مشکلات و نارسایی‌ها را شناسایی کرده و در جهت رفع آن‌ها کوشش بعمل آورد.

نابینایان و کم بینایان هموطن ما در حال حاضر، در موارد مختلف نیازمند کسب یک سلسله آموزش‌ها و اطلاع‌گیری مداوم، همه جانبه و برنامه ریزی شده توسط افراد متخصص هستند. این نیاز از سوئی در مورد خانواده‌های آنان و از سوی دیگر برای کل جامعه و به ویژه دیگر رسانه‌ها نیز وجود دارد تا نابینایان برای تحقق بخشیدن به این مهم در زندگی خویش بتوانند همچون سایر افراد جامعه از رسانه‌ها بهره‌برداری نمایند.

آیا در عمل چنین است؟ و این عدم تبعیض یا کم توجهی وجود دارد؟ و یا اگر هم وجود ندارد، مشکل به خود نابینایان بر می‌گردد؟ یا به رسانه رادیو؟ و یا اینکه ضرورت گذشتن از مرز متفاوت بودن به عنوان یک واقعیت فرهنگی و اجتماعی و یا مجموعه از این موارد است؟

رادیو به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، بیش‌ترین هماهنگی و انطباق را نسبت به دیگر رسانه‌ها با نابینایان دارد و نابینایان بخش عمده‌ای از نیازهای دیداری و شنیداری خود را با استماع انجام می‌دهند (حفظ کردن، ضبط کردن و دوباره شنیدن به جای یادداشت برداری). بخشی از ویژگی‌های مورد پسند نابینایان عبارت است از: ارزانی، عدم محدودیت زمانی و مکانی، سهولت دسترسی؛ به عبارت دقیق‌تر، این پژوهش به طور مشخص تجربه زیسته نابینایان را از رادیو به عنوان « رسانه صرفاً شنوایی محور» مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

به دنبال پیش مطالعه هایی در حوزه مسائل نابینایان و نیز مطالعه موضوع رسانه با مخاطب نابینا، معلوم شد که بیشتر چنین تحقیقی دست کم در ایران انجام نشده است. با توجه به تجربه زیسته خود محقق در مورد شرایط و مسائل نابینایان و شناخت وی از رسانه رادیو با مشورت استادان راهنما و مشاور و کارشناسان حوزه تحقیق، این موضوع انتخاب گردید.

این تحقیق بر آن است که براساس واقعیت های موجود، وضعیت نابینایان در استفاده از رادیو را همان گونه که فعلا وجود دارد، روشن نماید و طبیعی است که نتیجه این تحقیق می تواند هم در راستای نیاز نابینایان باشد و هم به مسئولین رادیو برای برنامه ریزی مناسب، یاری رساند. نابینایان دارای تجربیات منحصر به فردی در استفاده از برنامه های رادیویی هستند. نتیجه این تحقیق می تواند این تجربیات را که تاکنون بدین شکل مورد بررسی قرار نگرفته است، به گونه ای عمیق و همه جانبه شناسایی نماید.

اهمیت این تحقیق را می توان به گونه ای خلاصه در این جمله بیان کرد که: چنانچه مشکلات استفاده از رادیو (منظور استفاده کامل و بهره گیری جامع به گونه ای است که از این لحاظ بین بینا و نابینا تفاوتی وجود نداشته باشد) برای نابینایان برطرف گردد، هم فلسفه وجودی رادیو که در خدمت شنونده بودن و مخاطب است، تأمین شده است و هم به انتظارات و درخواست های نابینایان از رادیو پاسخ مناسب داده می شود. از طرفی بر اساس نظریه "استفاده و رضا مندی" (که توضیح آن خواهد آمد) یکی از اهداف تولید کنندگان برنامه های رادیو، افزایش میزان رضایت مندی شنوندگان خود می باشد که بخشی از این شنوندگان - و شاید فعال ترین آن ها - نابینایان و کم بینایان می باشند. این نظریه می گوید: مخاطب به نیاز خود آگاه است و برای تأمین نیاز خود دنبال راه هایی است تا آن را بدست آورد؛ بنابراین، فرایند انتقال پیام پنج ویژگی دارد:

۱. مخاطب پویاست

۲. رقابت رسانه با خود و دیگر پدیده ها برای تأمین نیاز مخاطبان الزامی است.

۳. مخاطب جستجوگر است؛ یعنی، برای تأمین نیازها و رضایت خود روش های مختلفی را تجربه می کند.

۴. مخاطبان برای تأمین نیازهای معرفتی خود آگاهانه رسانه مورد نظر را انتخاب می کنند. (از نیاز آگاه هستند)

۵. مخاطبان برای تأمین نیازهای اساسی منابع مختلف ارتباطی و غیر ارتباطی، با یکدیگر در ارتباط هستند.

روند رشد تمامی جوامع بشری و بویژه کشور ایران که رشد همه جانبه شتاب زیادی را در مسیر زدودن کاستی ها و نارسائی ها باید دنبال نماید، اقتضا می کند که تمامی آحاد جامعه با هر توانی که دارا باشند، بایستی در این رشد و ترقی ملی مشارکت نمایند و سهم خود را به هر مقدار ممکن، تعیین کرده و با تلاش فراوان در اعتلای کشور همت گمارند.

روند رشد تمامی جوامع بشری و بویژه کشور ایران که رشد همه جانبه شتاب زیادی را در مسیر زدودن کاستی ها و نارسائی ها باید دنبال نماید، اقتضا می کند که تمامی آحاد جامعه با هر توانی که دارا باشند بایستی در این رشد و ترقی ملی مشارکت نمایند و سهم خود را به هر مقدار ممکن، تعیین کرده و با تلاش فراوان در اعتلای کشور همت گمارند.

معلولان جامعه و از جمله نابینایان ایران که رقم قابل ملاحظه ای را در میان معلولان کشور تشکیل می دهند، از اعضای همین جامعه بوده و همچون حلقه های به هم پیوسته، یک زنجیره به حساب می آیند که صرف نظر از این که هر حلقه در کجای زنجیر قرار گرفته و نقشی که ایفا می کند ممکن است به ظاهر کوچک یا بزرگ باشد، می تواند به سهم خود، نقشی را در این پیشرفت بر عهده بگیرد؛ و از طرفی، چنان فعالیت نماید که نه تنها مسائل و مشکلات خود را مرتفع سازد، بلکه عنصر تأثیرگذاری برای جامعه ایران باشد تا جایی که شاید بتوان گفت احساس کمبود و محدودیت ننماید و نقیصه خود را با استفاده از دیگر توانمندی های خود جبران سازد.

بدیهی است بایستی به این امر مهم توجه لازم صورت گیرد و امکانات و شرایط مورد نیاز جهت رشد و بالندگی این قشر از جامعه در اختیار آنان گذاشته شود تا بتوانند به آن توانمندی مورد انتظار و نقشی که باید در جامعه ایفا نمایند، نائل گردند.

بی اعتنائی و کم توجهی به هر بخش از نیازهای این قشر از جامعه، می تواند منجر به آسیب های جدی اجتماعی گردد و بجای اینکه این آمار از معلولین را به نیروهای فعال و کنشگر جامعه تبدیل کند، بر عکس آنان را به انزوا کشانده و مشکلات اجتماعی و خانوادگی فراوانی را برای آنان پدید آورد.

نابینایان بطور عمده عقیده دارند که گوش کمتر از چشم اشتباه می کند و عده ای از آن ها از پدیده ای به نام ایما شناسی^۱ صوت یاد می کنند. با عنایت به این موارد می توان به این نتیجه رسید که نابینا از گوش به جای چشم هم استفاده می کند، حال باید دید که این استفاده چگونه خواهد بود؟

آیا برنامه های رسانه ها و بویژه رادیو در شرایط فعلی برای استفاده نابینایان در سطحی مطلوب و ایده آل است؟ و یا این که نیاز به ایجاد تغییراتی (کیفی و کمی) وجود دارد که اگر انجام شود، خواهد توانست به نیازهای این قشر پاسخ گوید؟

^۱. Hintology

نابینایان در یک تعامل صحیح با جامعه و با استفاده منطقی و کسب بیشترین حد ممکن از آگاهی های لازم از طریق رادیو، با مشکلات خویش آشنا تر شده و امیدوارانه در رفع و حل آن کوشش می کنند. این امر کمک می کند تا نابینایان از پبله های تنهائی که به علت ناآگاهی جامعه و خانواده ها به دور خود تنیده اند، بیرون بیایند. ضمن اینکه رادیو نقش واسطه یا مجرای ارتباطی را در این میان می تواند ایفا نماید.

موج مثبت حاصل از موفقیت نابینایان با تأثیری که بر خود و خانواده هایشان می گذارد و باوری که در سطح جامعه به طور کل اعم از مردم عادی، مدیران، مسئولان و قانون گزاران ایجاد می کند، در نهایت به تحولی شگرف در راستای بهبود وضع آن ها و تأثیرگذاری مثبت بر روی جامعه منجر می شود.

شناخت صحیح (نه اسطوره سازی)، باورهای غلط را از بین برده و سبب کم شدن و از بین رفتن فاصله بین مردم عادی و نابینایان می شود. این امر به نوبه خود باعث تحولی دوسویه میگردد؛ به این معنا که، نابینایان به خودباوری رسیده و در نتیجه حضور فعال آن ها در جامعه بارز می شود و هم چنین دیگران نیز نابینا را با تمام قابلیت هایش باور کرده و می پذیرند.

رسانه ها و بویژه رادیو می توانند به سنجش برنامه های خود پرداخته و بر اساس ضرورت و مخاطب شناسی لازم نسبت به این قشر از جامعه، نقشی فعال و پیشرو را به عنوان یک رسانه فراگیر بر عهده گیرند و با ایجاد و افزایش بالاترین قابلیت ها در بین سایر رسانه ها برای ایجاد ارتباط با نابینایان، بتوانند با تدارک برنامه های علمی و کارشناسی شده به معلولان نابینا و کم بینا و خانواده هایشان کمک نمایند و نیز با تجهیز به دانش و ابزارهای لازم، گذار به سمت یک جامعه مدنی و توسعه یافته را با سرعت مطلوب و مطمئن به انجام برسانند.

در حال حاضر، این قشر از نظر فرهنگی، مهارت، دانش و آگاهی های مورد نیاز نسبت به سایر اعضای جامعه بسیار ناهمگون بوده و به همین دلیل نمی توانند همگام و مؤثر به سمت یک زندگی بهتر و متناسب با جامعه مدنی که ضرورت دنیای امروز است، حرکت نمایند.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف اصلی

کسب شناخت عمیق از تجربه نابینایان در استفاده از برنامه های رادیویی.

اهداف فرعی

۱. درک عمیق از رابطه بین فرد نابینا و رسانه رادیو؛
۲. شناخت روشمند علل استفاده نابینا از رادیو؛
۳. شناخت روشمند نحوه استفاده نابینا از رادیو؛
۴. فهم میزان رضایتمندی و یا میزان نارضایتی مخاطب نابینا از رسانه رادیو؛
۵. شناخت تجربه های منحصر به فرد نابینایان در استفاده از رادیو.

۵-۱- سؤال تحقیق

تجربه شخصی فرد نابینا در استفاده از برنامه های رادیویی چیست؟

۶-۱- مفاهیم تحقیق

۱-۶-۱- تجربه زیسته^۱

همانگونه که می‌دانیم روش شناخت در علوم طبیعی، تجربه است، آن هم از نوع حسی آن؛ به عبارت دیگر، در علوم طبیعی، مناسبات علی و معلولی میان پدیده‌ها تجربه و تبیین می‌گردد؛ تبیینی که به روش تجربی استقرایی و به طریق آزمون و خطا صورت می‌پذیرد. اما ویلهلم دیلتای^۲ در علوم انسانی اجتماعی، تعریف جامعی از تجربه به دست می‌دهد و آن را تجربه زیسته^۳ می‌نامد. تجربه زیسته، در اصطلاح عبارت است از یک تجربه بی‌واسطه و حضوری از هر پدیده. تجربه‌ای که در آن بین عالم و معلوم، بین تجربه‌گر و تجربه‌شونده اتحاد و هویت برقرار است (البته بدون اینکه واقعیت تجربه، معلوم باشد). در واقع تجربه زیسته در مقابل تجربه دست دوم^۴ است که با واسطه و حصولی است. دیلتای، بین تجربه زیسته *Erlebnis* و *Vorstellung* یا نمود^۵ فرق می‌گذارد. چه اینکه در نمود، بین آبژه و سوژه و عالم و معلوم تمایز برقرار است؛ یعنی، همان تجربه‌ای که در علوم

^۱. Lived experience

^۲. Wilhelm Dilthey

^۳. Erlebnis

^۴. Erfahrung

^۵. Representation

طبیعی مورد نظر است. به نظر دیلتای، جنس تجربه علوم انسانی از نوع تجربه بی‌واسطه^۱ است (حسنی، ۱۳۸۳).

درواقع تجربه زیسته در مقابل *Erfahrung* یعنی تجربه دست دوم است که با واسطه و حصولی است. به نظر دیلتای، جنس تجربه ی علوم انسانی از نوع *Erlebnis* و بی‌واسطه است. حال سؤال این است که: ما چگونه به تجربه زیسته نائل می‌شویم و آن را چگونه درک می‌کنیم؟ به عبارت دقیق تر، در این پژوهش به طور مشخص قصد داریم ببینیم نابینایان چه تجربه زیسته ای از رادیو به عنوان «تنها رسانه گوش محور» دارند؟ و چگونه این تجربه زیسته را در استفاده از امر رسانه ای شده - طیف داده های اطلاعاتی برنامه های رادیویی - با نیازها و امکانات خود تطبیق می دهند؟

۱-۶-۲- تجربه نابینایی^۲

ناتوانی در نوع انسان ممکن است جسمی، شناختی، روانی، حسی، عاطفی، رشدی و یا ترکیبی از این ها باشد^۳.

در جهان حدود ۴۰ میلیون نابینا زندگی می‌کنند. نابینایی درجه‌های بسیار گوناگونی دارد. برخی هرگز نور را نمی‌بینند؛ بعضی دیگر فقط می‌توانند نور را از تاریکی تشخیص دهند. در میان نابینایان عده‌ای هم هستند که از دید ناچیزی برخوردارند. از این همه نابینایی که در جهان زیست می‌کنند، فقط درصد اندکی کور مادرزاد هستند. نابینایی یا کوری، وضعیتی است که شخص در آن ادراک بینایی ندارد و علت آن عوامل فیزیولوژیکی یا عوامل عصبی، ارثی، شرایط ژنتیکی، زیست محیطی، اجتماعی و جغرافیایی می‌تواند باشد.

سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند در حال حاضر حدود ۳۵ میلیون نابینا در جهان وجود دارد که ۹۰ درصد آنها در کشورهای در حال توسعه و بیشتر در قاره آسیا و آفریقا زندگی می‌کنند چرا که خطر بروز عوامل نابینایی در بسیاری از این مناطق بیشتر از کشورهای صنعتی توسعه یافته است. نابینایی می‌تواند مختلف، این بیماری ممکن است بروز کند.

۱-۶-۳- الگوی "شناختی" در نظریه استفاده و خشنودی

تغییر نگرش نسبت به مخاطب ارتباط جمعی، ثمره نظریه «استفاده و خشنودی» بود. به اعتقاد مک‌کوئیل (۱۹۸۴) در نظریه استفاده و خشنودی، باید بین طبقه بندی نوعی "شناختی"، "فرهنگی" محتواها و «استفاده از رسانه‌ها» تمایز قائل شد.

^۱. Erlebnis

^۲. Blindless experience

^۳. <http://en.wikipedia.org/wiki/Disability>